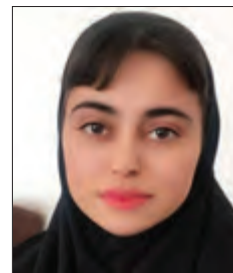


دردنامه بیکاری حسابداران شهرستانی

سخن دانشجو

درآمدی و دستمزدی مطلوب، نرخ مناسب ارز و قیمت واقعی نهاده‌های تولید و...، برای برون‌رفت از معضلات اقتصادی و مشکلات بازار کار کشور است که متأسفانه کمتر بدان توجه جدی می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که از جمله عوامل درونی که با مقوله اشتغال و کاریبایی فارغ‌التحصیلان ارتباط دارد، عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار، عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی، عدم آگاهی جامعه و خانواده از تناسب بین نیاز جامعه و خواسته خانواده، عدم توفیق دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه در دانشجویان، مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ‌التحصیل شدن، عدم آشنایی اعضای هیأت علمی با فرایند و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان، فقدان زمینه مناسب برای آموزش‌های علمی و

ایران از معدود کشورهای منطقه است که ثروت انسانی آن قابل توجه است اما متأسفانه به‌علت فقدان برنامه‌ریزی مناسب، حجم عظیمی از این نیروی کار که رقم قابل توجهی از آن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند، در زمره بیکاران قرار دارند. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی، آمار بیکاران تا ۱۱ میلیون نفر نیز تخمین زده شده است. از طرفی نیز وفق اظهارات مسئولان وزارت علوم حدود ۴/۷ میلیون نفر دانشجو در کشور وجود دارد که معادل ۵۰۰ هزار نفر در رشته حسابداری و مدیریت مشغول به تحصیل هستند و هر ساله انبوهی فارغ‌التحصیل رشته حسابداری روانه بازار کار می‌شوند. این در حالیست که کشور فاقد سازماندهی مناسب برای جذب آنهاست. برای حل معضل اشتغال باید به سرمایه‌گذاری و تولید اندیشید و لازمه آن اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های منسجم و صحیح اقتصادی، مدیریت و تخصیص بهینه منابع مالی، فیزیکی و انسانی مورد نیاز، سیاست‌های



شیدا سلیم آذری

کاربردی بوده است و مضاف بر این موارد باید توجه داشت که عوامل بیرونی که با مقوله اشتغال و کاریابی فارغ‌التحصیلان ارتباط دارد شامل رواج نیافتن و مشخص نبودن فرهنگ کاریابی، عدم توسعه بنگاه‌های کاریابی خصوصی و عدم توسعه کانون‌های فارغ‌التحصیلان و ناکارآمدی آنها در کاریابی و هدایت شغلی و تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای کسب مشاغل موجود، بر این مشکلات می‌افزاید. اگر از موج مدرک‌گرایی بگذریم، برای ما شهرستانی‌ها و به‌خصوص استان‌های مرزی، دغدغه تحصیل یعنی تأمین معاش زندگی و حمایت از خانواده. نرخ بیکاری در بین زنان متأسفانه بیشتر از مردان است، در نتیجه بیشتر خانواده‌ها در شهرستان‌ها و استان‌های همجوار مرز، فکر می‌کنند با تأمین هزینه تحصیلات فرزندان خود در واقع سرمایه‌گذاری با بازدهی صفر کرده‌اند! به‌طور مثال در بسیاری شهرستان‌ها که فاقد کارخانه و حتی واحدهای کسب و کار میانی است، نرخ بیکاری دورقمی و افسردگی ناشی از آن به‌ویژه در زنان تأسفبار است. به‌نظر می‌رسد استان‌های محروم همیشه باید محروم باقی بمانند. ما برای اشتغال ناچاریم شخصاً نرم‌افزار حسابداری را تأمین و تمرین کنیم اما مکانی برای کارآموزی وجود ندارد تا آموخته‌های خود را به‌کار بگیریم. اگر هم به‌طور تصادفی در شهرهای همجوار یک فرصت شغلی پیدا شود علاوه بر معذوریت جدایی از خانواده و تردد روزانه، عملاً در زمستان که برف، جاده‌ها را می‌پوشاند، تردد روزانه یا هفتگی هم برای امکان‌پذیر نخواهد بود. اگرچه برای امثال من این ذهنیت که الزاماً باید در رشته خودم کار کنم مدت‌هاست از بین رفته است اما واقعاً در شهرهای کوچک چه باید کرد؟!

وقتی به دور و برم نگاه می‌کنم می‌بینم وضعیت بازار کار آنقدر بد است که افراد اساساً فرصت رد کردن مشاغل و اندیشیدن به این موضوع را که باید حتماً فلان کار را داشته باشند، فلان حقوق را بگیرند و فلان مرتبه شغلی را طلب کنند، ندارند و به همین علت به فارغ‌التحصیلانی برخورد می‌کنید که تن به انواع و اقسام شغل‌ها حتی مسافرکشی با موتور و دستفروشی داده‌اند که در شهرستان‌ها برخی از این مشاغل در حوزه اخلاق اجتماعی برای زنان غیرممکن است. طنز قضیه آن است که در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌هایی که هرروز مثل قارچ سر در می‌آورند، پیوسته هزاران راهکار برای کسب و کارهای کوچک در شهرستان‌ها ارائه می‌شود که نگاهی به محتوای آنها نشان می‌دهد قریب به‌اتفاق این محتویات ترجمه و کپی‌پیست مقالاتی است که برای تز و تحقیقات بی‌مایه جمع‌آوری شده است. آدم به یاد حکایتی منسوب به ماری آنتوانت، واپسین ملکه

پیش از انقلاب کبیر فرانسه می‌افتد که وقتی صدای انقلاب فرانسه بلند شده بود وی از کسی پرسید: مردم چه می‌خواهند؟ آن شخص پاسخ داد: گرسنه‌اند و نان می‌خواهند! و ملکه در جواب گفته بود: اکنون که نان ندارند چرا شیرینی نمی‌خورند؟!

از طرف دیگر بارها و بارها شنیده‌ایم که گفته می‌شود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مهارت و تخصص کافی ندارند اما واقعیت این است که مشکلات بازار کار و نرخ بالای بیکاری جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نتیجه اتخاذ سیاست‌های کلان است. از نبود نیازسنجی درست برای بازار کار گرفته تا بی‌کیفیت بودن آموزش و همچنین نبود فرصت‌های شغلی، نتیجه اقدامات غلطی است که بر عهده مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی کشور بوده است و اینکه توپ را در زمین بیکاران بیندازیم و بخواهیم بیکاران را مقصر جلوه دهیم، در واقع نوعی فرافکنی است. با یک نگاه منطقی مبتنی بر تجارب جهانی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی،



برون‌سپاری عمده کارهای خدماتی و زنجیره تولید در جهان می‌تواند در ایران هم مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور مثال سازمان تأمین اجتماعی و سازمان امور مالیاتی که میلیاردها تومان بودجه مربوط به آموزش دارند باید از طریق آموزش فارغ‌التحصیلان رشته‌های حسابداری، آنان را به‌عنوان افرادی که می‌توانند در تکمیل اظهارنامه مالیات بر درآمد، اظهارنامه فصلی مالیات ارزش افزوده و اظهارنامه املاک و اجاره، اظهارنامه عایدی سرمایه املاک و اتومبیل‌ها و همچنین تکمیل لیست‌های بیمه‌ای علاوه بر دریافت مالیات و بیمه، این فارغ‌التحصیلان را به‌کار بگیرند و بیشتر

هزاران شغل ایجاد کنند. از دیگر راه‌کارهای ایجاد مشاغل بدون هزینه سرمایه‌گذاری سنگین، برون‌سپاری بسیاری از خدمات حسابداری و مالی به اشخاص مشتاق در شهرستان‌ها به حداقل قیمت ممکن است. کاری که شرکت‌هایی نظیر مایکروسافت و شرکت‌های مشابه هم به‌کار می‌برند و بسیاری از خدمات خود را از سایر کشورها نظیر هندوستان که دستمزد ارزان‌تر است دریافت می‌کنند. برای امثال من که دانشجوی رشته حسابداری در شهرهای کوچک و بدون امکانات هستیم سؤال اصلی این است که چرا مؤسسات حسابداری، مالیاتی و حسابرسی اساساً نگاهشان به تهران

و مراکز استان‌ها است؟ آیا آنها نمی‌توانند با استفاده از همین ابزارهای معمولی نظیر واتس‌آپ، تلگرام و فیس‌بوک بخشی از کارهایشان را به دانشجویان علاقمند شهرستانی در قالب ساعت کار واگذار و از کسورات بیمه‌ای نیز در امان باشند؟! البته که در این رابطه نقش دولت و مدیران ارشد برنامه‌ریزی بسیار مهم است تا با تخصیص منابع حمایتی، شرکت‌های خدماتی را تشویق به اتخاذ چنین رویه‌هایی کنند تا در شهرستان‌های دورافتاده هم چراغ اشتغال خاموش نباشد. بدون شک زیرساخت‌های ارتباطی تأمین شبکه‌های اینترنتی باید آنچنان شود که انجام این برنامه را میسر کند؛ کاری که علاوه بر چین، در هندوستان نیز مدت‌هاست صورت گرفته است و شبکه اینترنت، اقصی نقاط کشور را پوشش می‌دهد و دسترسی به این‌گونه خدمات به‌صورت سراسری در همه نقاط کشور امکان‌پذیر شده است و هند را به یک قطب جهانی تبدیل کرده است. ما فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری از نهادهای حرفه‌ای و مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی انتظار داریم در راستای وظایف حرفه‌ای خود در بازنگری مواد آموزشی و تغییر در آنها با نگرش آموزش‌های کاربردی چنان عمل کنند که دانشجویان رشته حسابداری حداقل مهارت‌های آموزشی لازم را در هنگام فارغ‌التحصیلی دارا باشند و مؤسسات حسابداری و حسابرسی هم کوشش کنند بخشی از فعالیت‌های خود را در قالب قراردادهای «ساعت کار» به فارغ‌التحصیلان و دانشجویان علاقمند و ماهر واگذار کنند تا علاوه بر کاهش هزینه، در امر آموزش و معیشت نیز به آنها یاری رسانند. ■

شیدا سلیم آذری: دانشجوی رشته حسابداری

